

## واژگان درس سوم کتاب زبان دهم - صفحه ۱

action	عمل ، اقدام	during	در طی ، در طول	hospital	بیمارستان
airplane	هواپیما	emotion	احساس ، عاطفه	inside	درون ، داخل
alone	تنها ، به تنهایی	emphatic	تاکیدی ، مُؤکِّد	interrogative	پرسشی ، سوالی
as	به عنوان	energetic	فعال ، پر انرژی	interview	مصاحبه
ashamed	شرمسار ، شرمنده	experiment	آزمایش ، تحقیق	invent	اختراع کردن
at the end	در پایان	express	بیان کردن	invention	اختراع
at the moment	در حال حاضر ، فعلاً	famous	مشهور ، نامی	inventor	مخترع
attend	حضور یافتن	feel	احساس کردن	jump out	بیرون پریدن
background	پیش زمینه ، سابقه	finally	سرانجام	key	کلید ، راهنما
be after	به دنبال ، در جستجوی	flu(influenza)	آنفلوآنزا	kid	بچه ، کودک
behave	رفتار کردن	fortunately	خوشبختانه	kill	کشتن
belief	باور ، عقیده	full	پُر ، کامل	kitty	بچه گربه
believe	اعتقاد داشتن	gain	کسب کردن	laboratory	آزمایشگاه
bring	آوردن	get around	شیوع یافتن (بیماری)	let's	بیا بید
build	ساختن	give up	دست کشیدن	light bulb	لامپ حبابی
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن ، قطع برق	living room	پذیرایی ، هال
come in	وارد شدن	grave	گور ، قبر	make a noise	سر و صدا کردن
continuous	پیوسته ، مداوم ، مستمر	grow up	بزرگ شدن	meaning	معنی ، مفهوم
cool	باحال ، جالب ، خنک	guess	حدس زدن	medicine	رشته ی پزشکی ، دارو
cradle	گهواره	have fun	خوش گذراندن	narrate	تعریف کردن داستان
dangerous	خطرناک	heavily	به شدت	next door	همسایگی
description	توصیف ، توضیح	himself	او خودش	no one	هیچ کس
develop	گسترش ، توسعه	history	تاریخ	notice	توجه کردن
device	دستگاه ، ابزار	holy	مقدس ، مُنَزّه	novel	رُمان

## واژگان درس سوم کتاب زبان دهم - صفحه ۲

observe	مشاهده کردن	rich	ثروتمند	translator	مترجم
outside	بیرون ، خارج	sadly	متأسفانه	try	تلاش کردن
pass away	درگذشتن، رحلت کردن	same	یکسان، همانند	unfortunately	متأسفانه، بد بختانه
patient	بیمار، صبور	science	علم	university	دانشگاه
peace	صلح ، آرامش	scientist	دانشمند	upon	بر ، روی
personality	شخصیت	seek	جستجو کردن	value	ارزش
poem	شعر	self-pronoun	ضمیر انعکاسی	wait	منتظر ماندن
poet	شاعر	sense	حس	while	زمانی که
poor	فقیر ، بیچاره	shopping	خرید	writer	نویسنده
possible	ممکن	situation	موقعیت، وضعیت	yard	حیاط
progressive	استمراری، پیش رونده	skill	مهارت		
prophet	پیامبر	solve	حل کردن		
publish	منتشر کردن	special	خاص		
put emphasis	تاکید کردن	state	حالت ، وضعیت		
quickly	به سرعت	stress	تاکید ، تکیه		
quit	رها کردن	success	موفقیت		
rapidly	به سرعت	successful	موفق		
rather than	به جای	such	چنین ، این چنین		
recite	تلاوت کردن، از بر خواندن	text	متن		
reflexive	انعکاسی	themselves	خودشان		
relate to	مرتبط با	thinker	متفکر		
remember	به خاطر آوردن	thought	اندیشه ، فکر		
research	تحقیق	translate	ترجمه کردن		
researcher	محقق	translation	ترجمه		